

انواع استحاله‌های انسانی در افسانه‌های

مکتوب سیستان و بلوچستان

آسیه ذبیح‌نیا عمران*^۱ زهرا پردل^۲

(تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۲۵، تاریخ پذیرش: ۹۵/۳/۲۳)

چکیده

پیکرگردانی تغییر ماهیت ظاهری یا توانایی‌های درونی قهرمانان اساطیر و موجودات افسانه‌ای است که گاه با دگرگونی‌های ظاهری همچون تبدیل جماد به حیوان، انسان به حیوان یا بالعکس، انسان به فرشته و ... نمود پیدا می‌کند و گاه بدون تغییر ظاهر، قهرمان به قدرت ماوراءالطبیعی دست می‌یابد و از حوزه توانایی‌های ذاتی خویش پا فراتر می‌نهد. این دگرگونی‌ها یا همان پیکرگردانی‌ها مهم‌ترین عامل شگفت‌زایی در اساطیر، افسانه‌ها و قصه‌های عامه هستند و نقش بسزایی در تأثیرگذاری، ایجاد هیجان و جذب مخاطب دارند. هدف پژوهش حاضر بررسی افسانه‌های بومی مکتوب استان سیستان و بلوچستان از منظر کارکردهای پیکرگردانی و مسخ است و با توجه به تنوع پیکرگردانی‌های مشهود و گستردگی موضوع، این مقاله فقط به بررسی انواع استحاله‌های انسانی اختصاص یافته است که در آن انسان به حیوان، جماد، گیاه، موجود ماورائی، طبیعت و انسان دگردیسی می‌یابد

۱. دانشیار دانشگاه پیام‌نور (نویسنده مسئول)

* Asieh.zabihnia@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی‌ارشد ادبیات کودک و نوجوان

یا بدون تغییر ماهیت انسانی، توانایی‌های خارق‌العاده به دست می‌آورد. با بررسی‌های انجام‌شده در مجموع، از ۱۵۷ افسانهٔ مکتوب این استان در ۲۳ افسانه، استحاله‌های انسانی وجود دارد. بیشترین پیکرگردانی‌های انسانی از نوع استحالهٔ انسان به حیوان و سفرهای شگفت‌انگیز است و استحالهٔ انسان به انسان و استحالهٔ انسان به موجود ماورائی در هیچ‌یک از افسانه‌ها دیده نشده است. نگارندگان تلاش دارند با تحلیل افسانه‌های مکتوب استان سیستان و بلوچستان دلایل شاخص‌ترین انواع استحاله‌های انسانی و همچنین کارکرد و نقش این پیکرگردانی‌ها را در افسانه‌های بومی این منطقه بیان کنند.

واژه‌های کلیدی: پیکرگردانی، استحاله، افسانه‌های ایرانی، سحر و جادو، موجودات

ماورائی.

۱. مقدمه

افسانه‌ها که در گویش سیستانی «آسوکه» و در زبان بلوچی «کیصه» خوانده می‌شوند، بخش عمده‌ای از گنجینهٔ فرهنگی هر ملت هستند. محجوب (۱۳۸۷: ۱۲۱) در کتاب *ادبیات عامیانهٔ ایران* در این باره می‌گوید: «اگر افسانه و داستان، قدیمی‌ترین اثر و کهن‌ترین تراوش دستگاه ذهنی بشر نباشد، جزو کهن‌ترین آثاری است که از اندیشه و تخیل بشری به جا مانده است». یکی از بارزترین جلوه‌های تخیل بشری در افسانه‌ها پدیدهٔ پیکرگردانی است؛ آنجا که عقل از بازکردن گره روایت ناتوان می‌شود، تخیل از راه می‌رسد، مرزها را می‌شکند، موجودات ماورائی را می‌یابد و با استحاله‌های عجیب و غریب و تغییر ماهیت‌های شگفت‌انگیز قهرمان افسانه را به سرمنزل مقصود می‌رساند. منابع مکتوب افسانه‌ها اندک است و چه‌بسا روایت‌هایی که با مرگ افسانه‌سرایان، در صندوقچهٔ سینه برای همیشه مدفون شده‌اند. با این حال، همین اندک موارد نیز برای شناخت فرهنگ و تمدن پیشینیان ما بسیار سودمند است؛ پیشینیانی که در گذشته‌های دور برای بیان احساسات، آرزو و آمالشان از رسانهٔ افسانه بهره برده‌اند و قصهٔ تلخ‌کامی، بیم و امیدشان را با اکسیر خلاقیت و استحاله به سرانجامی دلخواه و خوشایند رسانده‌اند. به نظر می‌رسد نیاکان ما خوب می‌دانستند آنچه باعث رخوت و نابودی هر ملت می‌شود، پیش و بیش از هر چیز ناامیدی و یأس است و با همین پیشینهٔ فکری افسانه‌هایی را روایت می‌کردند که در آن موجود یا نیرویی ماورائی در تنگناها و نشیب

انواع استحاله‌های انسانی در افسانه‌های مکتوب... _____ آسیه ذبیح‌نیا عمران و همکار

زندگی و در نبرد همیشه خیر و شر، به یاری انسان مستأصل می‌آمد و او را به آرمان شهری از نیک‌اندیشی رهنمون می‌شد. افسانه‌های مکتوب استان سیستان و بلوچستان نیز شامل انواع افسانه‌های تمثیلی، سحرآمیز، واقع‌گرا، طنز و ... است. با بررسی این افسانه‌ها درمی‌یابیم که تنها افسانه‌های سحرآمیز به علت داشتن شخصیت‌های ماورائی و عناصر جادویی و حوادث شگفت‌انگیز بستر مناسبی برای پدیدآمدن پیکرگردانی هستند. البته پیکرگردانی به ندرت در بعضی «افسانه‌های اولیا و شخصیت‌های تاریخی و ماجراهای باورنکردنی» نیز دیده می‌شود. اگرچه مصادیقی مشابه استحاله‌های مشهود در افسانه‌های این استان در بیشتر افسانه‌های سحرآمیز گردآوری شده و در مجموعه‌های *قصه‌های ایرانی و فرهنگ افسانه‌های عامیانه مردم ایران* نیز مشهود است. برای مثال افسانه‌های «احمد پهلوان» (انجوی شیرازی، ۱۳۵۹: ۱۰۶-۲۰۰)، «گل به صنوبر چه کرد؟» (همان، ۳۵۱-۳۵۲)، «گرازک» (همان، ۸۳-۸۷)، «بمونی و اسکندر» (همان، ۲۳-۲۷)، «پرنده آبی» (درویشیان، ۱۳۷۸: ۸۱/۲-۸۳)، «پادشاه و درویش» (همان، ۴۴-۴۵)، «زنگی و زرنگی» (همان، ۴۶۱/۶)، «سیب گریان، انار خندان» (همان، ۵۳۷/۷)، «سبز قبا» (همان، ۷۳/۷)، «چوپان» (همان، ۳۷۶/۳)، «دختر نوح» (همان، ۳۷۱/۷)، «فیروز» (همان، ۵۰۳/۹)، «خون برف» (همان، ۴۲۷۹/۴) و ... هدف نگارندگان در این مجال کوتاه، بررسی انواع استحاله‌هایی است که در افسانه‌های سیستان و بلوچستان روایت شده‌اند. بنابراین از مقایسه تطبیقی استحاله‌های این منطقه با دیگر افسانه‌ها، که مبحثی مستقل و جداگانه است، می‌پرهیزیم.

۲. جامعه آماری و روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله مبتنی بر ابزار کتابخانه‌ای است. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل انواع استحاله‌های انسانی موجود در افسانه‌های مکتوب استان سیستان و بلوچستان است که بررسی و طبقه‌بندی شده‌اند، سپس یافته‌های پژوهش به صورت توصیفی و تحلیلی ارائه شده‌اند. همچنین نقش استحاله در افسانه‌ها و تأثیر آن در روند کلی داستان و ساختار روایی آن نیز بررسی شده است.

۳. پیشینه تحقیق

با وجود تحقیقات دامنه‌داری که در مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی درباره افسانه‌های ایرانی صورت گرفته و با وجود کتاب‌های ارزشمندی که در این حیطه نگاشته شده است، تاکنون درباره انواع پیکرگردانی و مسخ در افسانه سیستان و بلوچستان، تحقیقی مستقل و جامع انجام نشده است؛ لذا این پژوهش می‌تواند با پر کردن این خلأ تحقیقاتی، توجه پژوهشگران را به حوزه یادشده جلب کند. برخی از آثار مرتبط با پژوهش حاضر بدین شرح است:

۱. بنفشه رسولیان بروجنی (۱۳۹۳). *بررسی پیکرگردانی در افسانه‌های ایرانی*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه پیام‌نور مرکز تفت. در پژوهش مذکور کلیاتی درباره همه افسانه‌های ایرانی براساس تحقیقات علی‌اشرف درویشیان و رضا خندان صورت گرفته است.
۲. منصور رستگار فسایی (۱۳۸۱). «پیکرگردانی در اساطیر». *مجله مطالعات ایرانی*.
۳. مریم حسینی و سارا پورشعبان (۱۳۹۱). «اسطوره‌های ترکیبی پیکرگردانی در هزارویک‌شب». *فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی*.

۴. پیکرگردانی

پیکرگردانی همان است که در ادبیات فرنگ *Metamorphose* و *Transformaition* خوانده می‌شود و معنای آن تغییر شکل ظاهر و ساختمان و اساس و هویت قانونمند شخص یا چیزی با استفاده از نیروی ماوراءالطبیعی است. این امر در هر دوره و زمانی غیرعادی به نظر می‌رسد و فراتر از حوزه و توان معمولی انسان‌ها و حتی نوابغ به‌شمار می‌آید (رستگار فسایی، ۱۳۸۸: ۴۳). مظاهر پیکرگردانی دو گونه است: در نوع اول، شخص یا شیء از صورتی به صورتی دیگر استحاله می‌شود و پیکری تازه و نو می‌یابد، به‌گونه‌ای که جلوه‌های آن صوری، ظاهری و محسوس است. (همان، ۴۴)، برای مثال انسان به حیوان، موجود ماورائی به گیاه و ... تبدیل می‌شود.

نوع دوم آن است که موجود یا شیء، ماهیت و ساختار ظاهری خودش را حفظ می‌کند اما قدرت یا قدرتهایی تازه به دست می‌آورد که قبلاً فاقد آن بوده است و در

انواع استحاله‌های انسانی در افسانه‌های مکتوب... _____ آسیه ذبیح‌نیا عمران و همکار

نهاد و نهان دچار تغییراتی بنیادی می‌شود مانند توانمندشدن انسان و حیوان بر خوارق اعمال و خلق شگفتی‌هایی، همچون دست‌یابی به عمر جاوید، آب‌حیات، سخن گفتن با حیوانات و نباتات و جمادات، پرواز کردن و رسوخ به دنیای زیرین خاک یا فرازین آن، رخنه کردن به دنیای پیش از تولد و پس از مرگ، دانستن غیب و بزرگ و کوچک گردیدن، جوان شدن و غیره. (همانجا). در پژوهش حاضر هر دو نوع پیکرگردانی در افسانه‌های مکتوب استان سیستان و بلوچستان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱. انواع پیکرگردانی

در پدیده پیکرگردانی به بسیاری از دیدگاه‌های شخصی، اجتماعی، فلسفی، روان‌شناسی و تخیلی، زبان، ادب و هنر و گونه‌های دیگر تجلی فرهنگی انسان در ادوار مختلف و شرایط گوناگون سیاسی، اجتماعی دینی و اخلاقی توجه شده است و کمتر موضوع مادی یا ماوراءالطبیعی است که پدیده پیکرگردانی آن را در برنگیرد (رستگارفسائی، ۱۳۸۳: ۴۴). با تحلیل افسانه‌های ایرانی انواع پیکرگردانی مشاهده می‌شود، از جمله استحاله انسان به حیوان، نباتات، موجودات ماورائی، انسان، جمادات، طبیعت و همچنین استحاله حیوان به انسان، حیوان، موجودات ماورائی، نباتات، جمادات و انسان و پیکرگردانی‌ها در حوزه‌های مختلفی قابل بررسی هستند، همچون پیکرگردانی اسطوره‌ها، پیکرگردانی در ادبیات و هنر، پیکرگردانی خدایان و ایزدان، روان‌ها و پیکرهای آن‌ها، پیکرگردانی در فره‌مندان، پیکرگردانی‌های اهریمن و موجودات اهریمنی، پیکرگردانی خدایان بزرگ یونان و روم، پیکرگردانی‌های خدایان هندی، پیکرگردانی‌های خدایان مصری، پیکرگردانی و آفرینش مادی، پیکرگردانی‌های حیوان و جماد به انسان، پیکرگردانی از جمادی تا جاندار، پیکرگردانی از گیاه تا انسان و حیوان، پیکرگردانی‌های انسانی، پیکرگردانی‌های اسطوره‌های ترکیبی (همان، ۹).

۵. مضامین مشهود در افسانه‌های سیستان و بلوچستان

کشش و جاذبه افسانه‌ها بیشتر به ماجرا و کشمکش‌ها و در اصطلاح قصه‌نویسان به action آن‌ها مربوط می‌شود تا به محتوا و معناهای خفته در لایه‌های روایت (امامی،

۱۳۸۰: ۲۱-۲۲). در افسانه‌های سیستان و بلوچستان مضامین و مفاهیم متنوعی وجود دارد که پربسامدترین آن‌ها ازدواج است و به صورت ازدواج برای سعادت‌مندی، گریختن از ازدواج با محارم، گریختن از ازدواج با دیو، ازدواج شاهزاده با حیوان و ... دیده می‌شود. علاوه بر این موتیف آرزوی نعمت بی‌زوال، باروری با خوردن میوه، یاری طلبیدن با آتش زدن پر سیمرغ یا موی دیو، ازدواج کردن کنیز فریبکار به جای پریزاد با شاهزاده، شکستن شیشه عمر دیو، عاشق‌شدن با دیدن موی طلایی در آب، پیر و جوان شدن، زشت و زیباشدن، چشمه و چنار، اعداد ۴۳ و ... همچنین از دیگر مضامین مشهود در افسانه‌های سیستان و بلوچستان است. در بیشتر افسانه‌های سیستان و بلوچستان، شخصیت‌ها ساده و ایستا هستند و در طول روایت تغییر نمی‌کنند؛ یا سفیدند یا سیاه، شخصیت خاکستری وجود ندارد. بیشتر آن‌ها فاقد نام و نمونه‌ای از یک تیپ مشخص هستند و شخصیت‌پردازی به شکلی که در داستان، رمان و سایر گونه‌های ادبی شاهد آن هستیم، وجود ندارد. در این بخش شخصیت‌های افسانه‌های سیستان و بلوچستان را به اختصار در دو بخش شخصیت‌های انسانی و شخصیت‌های ماورائی بررسی می‌کنیم.

۵-۱. شخصیت‌های انسانی

شخصیت‌های انسانی افسانه‌ها دو گروه‌اند؛ یا انسان‌های حقیقی هستند یا دیوان و پریانی هستند که به ظاهر انسانی استحاله یافته‌اند. در بین شخصیت‌هایی که ماهیت انسانی حقیقی دارند، عموماً شاهزاده‌ها، نقش قهرمان و ناجی را برعهده دارند و شاهان بیشتر شخصیت‌هایی وابسته به وزیرند. وزیر در افسانه‌های سیستان در چهره منفی ظاهر می‌شود که فاسق ملکه است و به تصاحب تاج و تخت می‌اندیشد و البته موفق نمی‌شود. شخصیت کچل، چوپان و نظیر آن که با ویژگی صنفی‌شان شناخته می‌شوند، نیز در افسانه‌ها مشهودند. شخصیت زن در افسانه‌های بررسی شده در نقش مادر بزرگ مهربانی که از نوازش حمایت می‌کند، عجزه جادوگر، ملکه خائن، شاهدختی که به پسری از طبقه پایین دل می‌بندد و ... نمود دارد.

شخصیت‌های ماورائی انسان‌نما نیز به اشکال مختلف دیده می‌شوند. برای مثال پریزادهایی که در نقش دختر محبوب قهرمان افسانه بن‌مایه عشق افسانه را رقم می‌زنند

انواع استحاله‌های انسانی در افسانه‌های مکتوب... _____ آسیه ذبیح‌نیا عمران و همکار

یا دیوهایی که خود را به شکل پیرزن جادوگر و ... در می‌آورند تا به اهداف اهریمنی خود برسند.

۲-۵. موجودات ماورائی

در افسانه‌های سیستان و بلوچستان شخصیت‌های ماورائی با دو رویکرد حضور دارند: نخست رویکرد خیرخواهی و یاری‌رسانی مانند فرشته، سیمرغ، پریزاد، اسب سخنگوی پرنده (آسوکه محمد میشدار و اسب بالدار و آسوکه شاترسان). همچنین شخصیت‌های دیگری نظیر مرد پابلند، مرد سنگ‌شکن، مرد گوش‌دراز و ... نیز وجود دارند که ابتدا در مقام مبارزه با قهرمان افسانه ظاهر می‌شوند؛ اما پس از شناختن، یار و همراهش می‌شوند.

گروه دوم با رویکرد اهریمنی و آسیب‌رسان در افسانه‌ها ایفای نقش می‌کنند که اجنه، دیوان و غولان از این دسته‌اند. در افسانه‌های این استان تیپ‌ها و نمودهای بومی این موجودات در نقش بزلنگی (در آسوکه باغ بزلنگی)، مردآزما (در افسانه شاترسان)، دروجگ (در افسانه دروجگ) دیده می‌شود.

تفاوت مهم شخصیت‌های ماورائی در افسانه‌های سحرآمیز سیستان و بلوچستان و دیگر افسانه‌های ایرانی با افسانه‌های سحرآمیز سامی و عربی در آن است که شخصیت‌های اصلی افسانه‌های سحرآمیز ایرانی دیوان و پریان در اشکال مختلف هستند؛ در صورتی که در افسانه‌های سامی، جن‌ها و غولان حضور دارند. نکته بااهمیت آن است که شخصیت‌ها و عناصر سحرآمیز افسانه‌های ایرانی موجوداتی قائم به ذات یا خویش‌فرما هستند؛ یعنی خود درباره مسائل مختلف تصمیم می‌گیرند و از این نظر، با غولان افسانه‌های عربی و سامی که تحت امر افراد انسانی عمل می‌کنند، متفاوت هستند (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۱: ۵۴۶).

۶. استحاله‌های انسانی نوع اول

این پیکرگردانی‌های انسانی، با تغییر هویت و ماهیت انسانی همراه است و در آن انسان به حیوان، جماد و ... دگردیسی می‌یابد.

نمودار ۱: انواع استحاله‌های انسانی



۱-۶. استحاله انسان به حیوان (مسخ یا گذر روح از بدن انسان به حیوان)
این استحاله پربسامدترین استحاله انسانی نوع اول است که در افسانه‌های استان به صورت تبدیل انسان به آهو، سگ، شغال و ماهی بیشتر به صورت برگشت‌پذیر و مکمل با «استحاله حیوان به انسان» دیده شده است. این استحاله به دلیل تخطی و نادیده‌گرفتن پند راهنما، ضعف در مقابل نیازهای غریزی مثل تشنگی و گرسنگی، مجازات بدکرداری و یا نافرمانی از شخصیت‌های شریر افسانه صورت می‌گیرد.
برخی از انواع استحاله انسان به حیوان عبارت‌اند از:

۱-۱-۶. استحاله انسان به آهو

در افسانه «گنجل گنجلی» و همچنین افسانه «گنجی» که روایت دیگری از آن است، برادر دختر از آبی در جنگل می‌نوشد و به آهو تبدیل می‌شود؛ البته با این تفاوت که در افسانه «گنجی» پس از چهل روز دوباره آهو به انسان تبدیل می‌شود، اما در افسانه «گنجل گنجلی» به همان شکل باقی می‌ماند.

انواع استحاله‌های انسانی در افسانه‌های مکتوب... _____ آسیه ذبیح‌نیا عمران و همکار

این نوع افسانه‌ها با تیپ ۴۵۰ آرنه-تامپسون با عنوان «برادر کوچولو و خواهر کوچولو» و افسانه‌های مشابه آن در فرهنگ افسانه‌های ایرانی از جمله «آهووک»، «آهوی سنگ»، «پسر پادشاه و پیرزن»، «خسرو دیوزاد»، «بی بی لی جان»، «شاهزاده و آهو»، «پادشاه و آهو بره» و ... همخوانی دارد.

۲-۱-۶. استحاله انسان به سگ

در افسانه «سگ سفید» دختر با جادوی دروچگ به سگ تبدیل می‌شود. همچنین در افسانه «شیشه عمر غول» شاهزاده با طلسم غول به سگ استحاله می‌یابد. مشابه این نوع پیکرگردانی در افسانه‌های «ای وای (آه)»، «شاه عباس و حور پری»، «گل چهره خانم» و ... از مجموعه فرهنگ افسانه‌های ایرانی دیده می‌شود.

۳-۱-۶. استحاله انسان به شغال

در افسانه «معجزه پیامبر» انسان بدکردار با دعای پیامبر به شغال تبدیل می‌شود که این پیکرگردانی تنها نمونه استحاله مسخ به معنی اخص آن (یعنی پیکرگردانی انسان به حیوان به صورت برگشت‌ناپذیر با هدف تنبیه و تنزل از درجه انسانیت) است و مشابه این نوع پیکرگردانی در افسانه‌های «بوعلی سینا» و «خواجه بوعلی» از مجموعه فرهنگ افسانه‌های ایرانی دیده می‌شود.

۴-۱-۶. استحاله انسان به ماهی

در افسانه «فرار از خانه» درویش برای ارتزاق خودش را به شکل ماهی در می‌آورد. این نوع افسانه‌ها با تیپ C507 آرنه-تامپسون با عنوان «مرد سپاسگزار» همخوانی دارد و مشابه این نوع پیکرگردانی در افسانه‌های «مرد ماهیگیر» و «ماهیگیر و دیو» از مجموعه فرهنگ افسانه‌های ایرانی دیده می‌شود.

۵-۱-۶. استحاله انسان به مار

در افسانه «کریم و مار سپاسگزار» ماری که از کریم یاری می‌طلبد در واقع جادوگر استحاله‌یافته است. این نوع افسانه با تیپ‌های ۱۵۵ و ۱۶۰ آرنه-تامپسون با عنوان «مار ناسپاس» و «جانوران سپاسگزار، انسان نمک‌نشناس» همخوانی دارد.

۲-۶. استحاله انسان به جمادات (رسخ^۱)

تبدیل انسان به جمادات نیز از دیگر مظاهر پیکرگردانی است. در اساطیر یونان آمده است که چون نومیا از شدت خشم، دافنیس را از نعمت بینایی محروم کرد، دافنیس در حالی که اشعار سوزناک می‌خواند به سنگی بدل شد (فسایی، ۱۳۸۸: ۴۰۱).

در افسانه‌های ایرانی نیز قهرمان افسانه با جادوی شخصیتِ ماورائی شرور به مجسمه، سنجاق، الگو، گوشواره، انگشتر و به کرات به سنگ استحاله شده است. در افسانه‌های بررسی‌شده در این پژوهش استحاله انسان به سوزن و جوالدوز و خاکستر مشاهده شده است. لازم به توضیح است این استحاله‌ها همیشه به دلیل قهر و غضب موجود ماورائی صورت نمی‌گیرد، چنان‌که در استحاله انسان به سوزن و جوالدوز می‌بینیم شخصیت ماورائی با هدف حمایت از شخصیت اصلی داستان، یعنی همسرش، به پیکرگردانی می‌پردازد.

برخی از نمونه‌های استحاله انسان به جماد در افسانه‌های سیستان و بلوچستان به شرح زیر است:

۱-۲-۶. استحاله دختر به سوزن، جوالدوز و سنجاق

در «آسوکة بدک» دختر تاجر پس از یافتن همسرش برای اینکه خانواده همسرش که بزلنگی هستند، او را آزار نکنند، با جادوی همسرش به سوزن و جوالدوز تبدیل می‌شود.

این نوع افسانه‌ها با تیپ ۴۲۵B آرنه-تامپسون با عنوان «دامادی که حیوان است؛ زن جادوگر بدطینت» همخوانی دارد و مشابه این نوع پیکرگردانی در افسانه‌های «پادشاه و

انواع استحاله‌های انسانی در افسانه‌های مکتوب... _____ آسیه ذبیح‌نیا عمران و همکار

درویش»، «سبز قبا»، «قوطی بز و برفص»، «میرزا مست و خمار و بی‌بی مهرنگار»، «ملک محمد» و «دل بی‌غم» از مجموعه «فرهنگ افسانه‌های ایرانی» دیده می‌شود.

۲-۲-۶. استحاله انسان به خاکستر

در «آسوکة شاهزاده و سه پری‌زاد» شاهزاده با پنجه پری‌زاد به خاکستر تبدیل می‌شود و با چهل روز دعا و عبادت پیرمرد زاهد دوباره انسان می‌شود.

۳-۶. استحاله انسان به گیاه (نسخ یا گذر روح به نباتات)

در اساطیر یونان، دافنه^۲ الهه‌ای است که آپولون او را تعقیب می‌کند و در لحظه‌ای که نزدیک بود دستگیر شود از پدر خود می‌خواهد تا او را تغییر شکل دهد و به صورت خرزهره- که گیاه مورد علاقه آپولون بود- درآورد. «ای‌دز» پس از مرگ برادرش «فاته-ئون» به شکل درخت پوپلار درآمد و درختان معبد زئوس در یونان، آدمیانی بوده‌اند که به این شکل درآمدند (رستگار فسایی، ۱۳۸۸: ۴۱۰). در افسانه‌های ایرانی نیز دیده شده که پس از تدفین پیکر قهرمانان افسانه- که در پی عشقی نافرجام کشته شده یا خودکشی کرده‌اند- بر مزارشان دو درخت یا بوته گل می‌روید و بر مزار صدقهرمان که همان رقیب است، بوته خار رشد می‌کند یا در افسانه‌های سه خواهر، خواهر سوم که به سبب پاکدامنی‌اش کشته می‌شود، به نی تبدیل می‌شود که هر کس در آن می‌دمد متوجه ماجرای مظلومیت دختر می‌شود.

در روایت‌های شفاهی مکتوب نشده استان سیستان و بلوچستان این نوع پیکرگردانی وجود دارد. برای مثال در افسانه زندگی «بی‌بی دوست» اتفاقی نظیر افسانه دافنه می‌افتد، یعنی سیده پاکدامن در هنگام فرار از دست افراد شروری که قصد تصاحبش را دارند، از زمین می‌خواهد او را ببلعد و درست در همان محل- که تکه‌ای از لباس دختر بیرون می‌ماند- درخت گز تنومندی رشد می‌کند که در حال حاضر هم یکی از اماکن زیارتی سیستان است و مردان اجازه ورود به آنجا را ندارند.

برخی از نمونه‌های استحاله «انسان به گیاه» عبارت‌اند از:

۱-۳-۶. استحاله انسان یا خون انسان به نی

در افسانه «دختر هندوانه» خواهر کوچک برای عبور از رودخانه مثل دیگر خواهرانش به چوپان بوسه نمی‌دهد و خواهران برای افشانشدن رازشان به کمک چوپان او را می‌کشند و از خون دختر نی‌ای می‌روید که راز جنایت خواهران را افشا می‌کند. این نوع افسانه با تیپ ۷۸۰ آرنه-تامپسون با عنوان «نی راز جنایت را کشف می‌کند» همخوانی دارد و در افسانه‌های «چوپان»، «چوپان شاه»، «سیب سرخ»، «سه خواهر» و ... از مجموعه فرهنگ افسانه‌های ایرانی دیده می‌شود.

۲-۳-۶. استحاله انسان به انسان (نسخ یا حلول روح از انسان به انسانی دیگر)

منصور رستگار فسایی در کتاب *پیکرگردانی در اساطیر* در مبحث «پیکرگردانی انسان به انسان» به سه مورد از این نوع استحاله اشاره می‌کند:

۱. «پیکرگردانی مرد به زن»: برای نمونه ماجرای کشته‌شدن مار ماده به وسیله تیرزیاس (پیشگوی معروف) را که به استحاله تیرزیاس به زن منجر می‌شود.
۲. «پیکرگردانی زن زشت به زن زیبا» برای مثال عجوزه‌ای که در خان چهارم سفر رستم خودش را به شکل دختری زیبا به او می‌نمایاند.
۳. «پیکرگردانی مرد به مرد»: از جمله استحاله طیطانوس به شکل مسیح و کشته شدن او به جای مسیح.

باید توجه داشت در این استحاله‌ها، انسان از حالت انسانی خودش خارج نمی‌شود؛ اما ماهیت وجودی او با تغییر جنسیت و یا ظاهر، به گونه‌ای تغییر می‌کند که برای دیگران قابل تشخیص و شناسایی نیست و این با استحاله‌هایی که در افسانه‌هایی مثل «ماه‌پیشانی» رخ می‌دهد، کاملاً متفاوت است. در این نوع استحاله عجوزه به دختری زیبا تبدیل می‌شود که نسبت به صورت اصلی‌اش قابل تشخیص نیست؛ اما در افسانه‌های ماه‌پیشانی و نظیر آن، شخصیت ماه‌پیشانی بعد از پیکرگردانی نیز قابل تشخیص است، فقط زیباتر از گذشته شده است. به همین دلیل افسانه‌هایی با این نوع استحاله را در ردیف استحاله‌های نوع دوم بررسی کرده‌ایم.

انواع استحاله‌های انسانی در افسانه‌های مکتوب... _____ آسیه ذبیح‌نیا عمران و همکار

۳-۳-۶. استحاله انسان به طبیعت

در اساطیر یونان آلوپه به چشمه تبدیل می‌شود (گریمال، ۱۳۵۶: ۶۱). ارثوسا برهنه در چشمه‌ای آبتنی می‌کرد که رودخدا او را دید و عاشقش شد و آرتمیس -الهه ماه- او را به صورت چشمه درآورد (شامیسو، ۱۳۷۶: ۱۷۳؛ همیلتون، ۱۹۴۲: ۱۵۷؛ رستگار فسایی، ۱۳۸۸: ۴۳۵).

این نوع پیکرگردانی در افسانه‌های ایرانی به ندرت دیده می‌شود و در افسانه‌های موردبررسی فقط در یک مورد «استحاله انسان به چشمه» دیده شده است. در افسانه «خواجه خضر و خواجه الیاس و علی^(ع)» که از «افسانه‌های اولیا و شخصیت‌های تاریخی و ماجراهای باورنکردنی» است، این نوع دگردیسی مشاهده شده است که در آن حضرت علی^(ع)، که خردسال است، در بازی قایم‌باشک با خضر نبی، خودش را به چشمه پیکرگردانی می‌کند؛ پیکرگردانی‌هایی که در آن ماهیت انسانی حفظ می‌شود؛ اما با تغییر ویژگی‌ها و قابلیت‌های انسانی همراه است همان طور که پیش‌تر بیان شد گاهی بی‌آنکه در منشأ طبیعی و ظاهری انسان یا حیوان تغییری ایجاد شود، ویژگی یا صفتی غیرعادی می‌یابد و یا به انجام امری ناممکن قادر می‌شود که در این قسمت افسانه‌ها را با در نظر گرفتن این نوع استحاله‌ها بررسی می‌کنیم.

۷. استحاله‌های انسانی نوع دوم

این استحاله با فراوانی ۲۹ نمونه و با داشتن ۱۲ مضمون متفاوت، بیشترین تنوع را از نظر مضمون و بن‌مایه در بین دیگر استحاله‌ها دارد. در این نوع پیکرگردانی، انسان با حفظ ماهیت انسانی خود، به توانایی و قدرتی فرابشری دست می‌یابد.

۷-۱. تحلیل نمونه‌های استحاله انسانی نوع دوم

۷-۱-۱. انسان مرده دوباره زنده می‌شود

در افسانه «باغ بزلنگی» دختر به‌سبب فرو رفتن دندان بزلنگی به پایش می‌میرد و با درآوردن آن دوباره زنده می‌شود. در آسوکه «امیرحمزه پهلوان» جادوگر با مالیدن

پوست پیاز به شمشیر پهلوان و انداختن شمشیر در تنور او را جادو می‌کند و بی‌جان می‌شود و با باطل شدن جادو دوباره پهلوان زنده می‌شود.

در افسانه «دختر شهر زاهدان» قهرمان با ریختن پودر مهره جادویی - که به گردن دیو بوده است - مردم شهر را دوباره زنده می‌کند. همچنین در افسانه «چهار چشم» که روایت دیگری از دختر شهر زاهدان است نیز ریختن آبی که مهره در آن است، سبب زندگی دوباره ساکنان شهر می‌شود.

در افسانه «انگشتر سحرآمیز» پس از اینکه ببرها پیرزن را می‌خورند، او با کمک انگشتر سحرآمیز دوباره زنده می‌شود.

بن‌مایه «زنده شدن مرده» در افسانه «پند پدر، گنج پدر» از کتاب *ادبیات سیستان آسوکه* (جلد دوم) نیز دیده می‌شود که در آن افسانه اگرچه پدر متوفا در لحظات درماندگی، پسر در نظرش ظاهر می‌شود و پس از گفت‌وگو با او ناپدید می‌شود؛ اما دلیل این اتفاق استحاله نیست، بلکه ماجرای است که در وهم و خیال رخ داده است.

۷-۱-۲. پیر و جوان شدن انسان

در آسوکه «جوسر پهلوان» پهلوان با کشیدن پر روی صورتش پیر می‌شود و با کشیدن پر دیگر جوان می‌گردد.

۷-۱-۳. زیبا و زشت شدن انسان

قهرمان افسانه پس از گوش دادن به حرف جادوگر یا دیو و انجام خواسته‌هایش، با شستن صورت در آب زیبا می‌شود و برعکس با نافرمانی از دستورات او چهره‌اش زشت می‌شود، مانند آنچه در افسانه «ماه نور و معقول» اتفاق می‌افتد.

۷-۱-۴. انسان‌هایی که ظاهری نامتعارف دارند

رستگار فسایی در کتاب *پیکرگردانی در اساطیر* این نوع استحاله‌ها را «پیکرگردانی‌های ترکیبی» می‌نامد و در این باره می‌گوید: ذهن انسان نخستین با دیدن انسان‌هایی زشت، پرمو، کوتاه و بلند، وحشت‌انگیز و با آداب و رسوم مختلف و به حال غیرعادی و

انواع استحاله‌های انسانی در افسانه‌های مکتوب... _____ آسیه ذبیح‌نیا عمران و همکار

خلاف معمول و آنچه خود با آن‌ها آشنا بوده و می‌دیده و می‌شناخته است، همان
همنوعان خود را نیز غیرعادی تصور می‌کند و خلقت آن‌ها را به نحوی شگفت‌انگیز
توصیف می‌کند یا خلقت آن‌ها را به دیو و پری نسبت می‌دهد. برای مثال هنگامی که
زال با آن چهره غیرعادی متولد می‌شود:

به چهره چنان بود تابنده شید و لیکن همه موی بودش سپید
پسر چون ز مادر بر آن گونه زاد نکردند یک هفته بر سام یاد

(مول، ۱۳۶۹: ۱/۱۰۹ اب ۵۴)

منشأ خلق این نوع موجودات افسانه‌ای، تخیل بشر نخستین بوده است. او در ذهن
خود موجوداتی با ترکیب انسان و حیوان آفریده است. در افسانه‌های سیستان و
بلوچستان نیز نمونه‌هایی از این استحاله‌ها یافت می‌شود.

در افسانه «چهار چشم» قهرمان افسانه، چهار چشم دارد که این ویژگی‌اش سبب
می‌شود شب بیدار بماند و راز خواهر دیوسیرتش را کشف کند. شبیه این، در
گرشاسب‌نامه اسدی طوسی نیز از مردمی سخن رفته است که سه چشم داشتند و
دورنگ بودند (اسدی طوسی، ۱۳۵۴: ۳۶۴). این نوع استحاله در افسانه «ذوالقرنین دو شاخ
داره» نیز مشاهده می‌شود. در این افسانه بر سر اسکندر دو شاخ می‌روید، هرچند در
تاریخ بشری هرگز انسان شاخ‌داری دیده نشده است. علاوه بر این در افسانه‌های
«امیرحمزه پهلوان و آسوکه جوسر» انسان‌های خارق‌العاده‌ای سر راه قهرمان قرار
می‌گیرند که ابتدا با او می‌جنگند و بعد در ادامه مسیر همراهی‌اش می‌کنند. یکی از این
افراد گوش‌هایی بسیار بزرگ و شنوا دارد که صدایی را از آن سوی دنیا می‌شنود،
دیگری پاهای درازی دارد که می‌تواند در یک گام به آن سر دنیا برود، انسان دیگر به
قدری نیرومند است که می‌تواند کوه را جابه‌جا کند و ... همه این شخصیت‌های
افسانه‌ای این نوع از استحاله را دارند. علاوه بر این موارد در افسانه «جوانی که پر در
آورد» (که از افسانه‌های اولیا و شخصیت‌های تاریخی و ماجراهای باورنکردنی است)
دزد خروس که پسر جوانی است با دعای ملا، مثل خروس پر در می‌آورد.

۷-۱-۵. انسان به شکل کچل تغییر چهره می‌دهد

در افسانه‌ها بارها دیده‌ایم که شاهزاده یا همان قهرمان، پس از بازگشت از سفر به دنیای زیرین خاک، با کشیدن شکمبه‌ای بر سر، خود را به شکل جوان کچل درمی‌آورد و به صورت ناشناس به وطنش برمی‌گردد. این تغییر قیافه استحاله نیست. تنها در آسوکه «محمد میش‌دار و اسب‌الداری» شاهزاده به کمک نیروی سحرآمیز اسب پرزاد بالدارش، تغییر چهره می‌دهد و خودش را به شکل جوانی کچل درمی‌آورد که در این حالت استحاله اتفاق می‌افتد.

۷-۱-۶. انسان با بوییدن دستمال یا پیراهن فرزند یا دعای فرشتگان بینایی خود را به دست

می‌آورد

در آسوکه «محمد میش‌دار و اسب‌الداری» پادشاه با بوییدن دستمال پسرش، بینایی خود را باز می‌یابد. همچنین در افسانه «دختر طلایی» با دعای فرشتگان، دختر کور بینا می‌شود.

۷-۱-۷. انسان نازا با خوردن میوه، صاحب فرزند می‌شود

در آسوکه «بدک» مرد تاجر بعد از چهل روز خاکسترنشینی پیرمردی را می‌بیند که به او سیبی می‌دهد تا با همسرش از آن بخورد و به این ترتیب صاحب فرزند می‌شود یا در آسوکه «شاهزاده و سه پرزاد» شاه و دو همسرش با خوردن اناری که درویش به آن‌ها بخشیده است، صاحب فرزند می‌شوند.

۷-۱-۸. انسان می‌تواند زبان حیوانات را درک کند

در آسوکه «جوی بربر» قهرمان افسانه با شنیدن گفت‌وگو و عمل به توصیه پرزادهایی که به شکل طوطی درآمده‌اند، می‌تواند زبان حیوانات را بفهمد و به گنج دسترسی یابد.

۷-۱-۹. نامیرایی انسان

حضرت خضر نمونه‌ای از استحاله نامیرایی انسان است که در افسانه‌های سیستان دیده می‌شود. او در این افسانه‌ها مثل «آسوکه شاه و سه زنش» نقش یاری‌رسانی را برعهده دارد.

انواع استحاله‌های انسانی در افسانه‌های مکتوب... _____ آسیه ذبیح‌نیا عمران و همکار

۷-۱-۱۰. ریختن طلا، جواهر، گل و گاه قورباغه از دهان دختر موقع خنده

در افسانه «دختر طلایی»، دختر به سبب دعای فرشتگان هنگام خنده از دهانش طلا و جواهر می‌ریزد و در افسانه «گل قهقهه» باد پشم‌های دختر را به خانه پیرزنی می‌برد و پیرزن در ازای پس‌دادن پشم‌ها از دختر می‌خواهد خانه‌اش را بروید و دختر چنین می‌کند و با دعای پیرزن سفیدروی می‌شود و هنگام خنده از دهانش گل می‌ریزد و دختر نامادری‌اش که به پیرزن کمک نمی‌کند، سیاه می‌شود و از دهانش قورباغه بیرون می‌آید.

۷-۱-۱۱. شفا یافتن با خوردن آب حیات بخش و ...

در افسانه «فرار از خانه» دختر بیمار با آب حیات‌بخشی که خواستگارش می‌آورد، شفا می‌یابد.

۷-۱-۱۲. سفرهای شگفت‌انگیز انسان

انسان همیشه آرزو داشته است که به دنیای زیرین خاک یا دریا رسوخ کند یا از دیاری به دیار دیگر پرواز کند و بر محدودیت‌های زمانی و مکانی زندگی فائق آید. تجسم این آرزوهای بشری در سفرهای شگفت‌انگیز قهرمان افسانه‌ها دیده می‌شود. در بررسی افسانه‌های سیستان و بلوچستان نیز سه نوع از این سفرها مشاهده شده است:

الف) طی الارض کردن

در این نوع استحاله قهرمان افسانه به مدد شیء سحرآمیز یا با کمک موجود ماورائی، در چشم برهم‌زدنی مرزهای هستی را از شرق به غرب درمی‌نوردد. گاهی مانند آنچه در افسانه «تقاضای سلطان محمود و قدرت خدا» می‌بینیم این سفر به سبب دعای قهرمان برای یافتن پاسخ مجهولات ذهنی‌اش، اتفاق می‌افتد و گاه هم مثل «آسوکة کلم جن» بی‌هیچ پیشینه و دلیلی و بی‌آنکه خودش بخواهد و بداند با ضربه شاخ گاو یا ضربه وزیر بی‌هوش می‌شود و چشم که می‌گشاید خود را در سرزمین دیگر می‌بیند. گاهی هم مثل قهرمان افسانه «انگشتر سحرآمیز» با کمک نیروی خارق‌العاده انگشتر جادویی به سرزمینی دور سفر می‌کند. این نوع افسانه‌ها با تیپ‌های *۷۳۵F* و *۵۶۰ آر-

تامپسون با عناوین «تقدیر فقیر را ثروتمند می‌کند» و «انگشتر سحرآمیز و حیوانات مددکار» همخوانی دارد.

ب) سفر به هفت طبقه زیرزمین

این استحاله در «افسانه شاهزاده‌ها و بلوچ‌ها» و «آسوکة جوسر پهلوان» دیده می‌شود که در آن‌ها پهلوان هنگام سقوط در چاه به جای دست‌زدن به گوسفند خاکستری به گوسفند سیاه دست می‌زند و هفت طبقه زیر زمین می‌رود. این نوع افسانه‌ها با تیپ ۳۰۱ و * ۳۰۱E * آرنه-تامپسون با عنوان «خاطرات دنیای زیرین و جوان جوجه‌های سیمرخ را نجات می‌دهد» همخوانی دارد.

ج) سفر به قعر دریا

این استحاله تنها در افسانه‌های «ماه نگار» و «انگشتر سحرآمیز» دیده شده است. در افسانه «ماه نگار» شاهزاده برای یافتن همسرش به سرزمین دریاها می‌رود و در افسانه «انگشتر سحرآمیز» با کمک انگشتر، قهرمان و همسرش به آرمان شهری در قعر اقیانوس رهسپار می‌شوند. این نوع افسانه‌ها با تیپ ۵۶۰ آرنه-تامپسون با عنوان «انگشتر سحرآمیز و حیوانات مددکار» همخوانی دارد.

د) سفر در زمان

در افسانه «تقاضای سلطان محمود و قدرت خداوند» موجود ماورائی که به شکل پرنده درآمده است، سلطان محمود را به سرزمینی دیگر می‌برد و در این مسیر برای سلطان محمود اتفاقات زیادی می‌افتد و سال‌ها زمان می‌گذرد؛ اما وقتی دوباره با کمک همان پرنده به وطنش برمی‌گردد، می‌بیند در زمان قبل از رفتن به سفر است.

و) مرئی و نامرئی شدن انسان

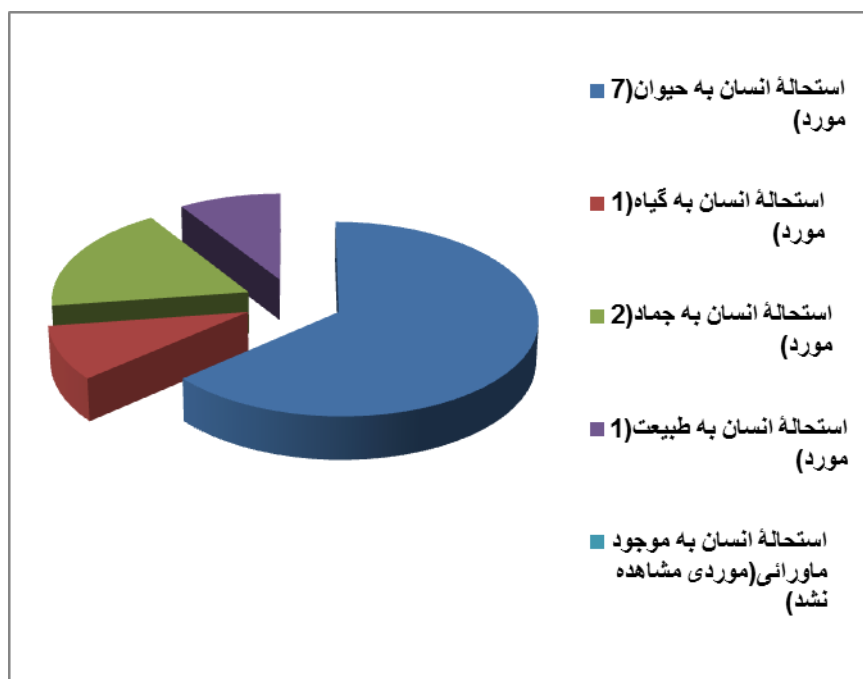
در آسوکة «شاه باران» قهرمان افسانه با زدن سرمه به چشم، نامرئی و با گرفتن آینه مقابل صورت مرئی می‌شود.

انواع استحاله‌های انسانی در افسانه‌های مکتوب... آسپه ذبیح‌نیا عمران و همکار

نتیجه‌گیری

با بررسی و تحلیل استحاله‌های انسانی نوع اول و دوم در ۱۵۷ افسانه مکتوب استان سیستان و بلوچستان، در حدود $\frac{1}{3}$ جامعه آماری مورد نظر انواع پدیده پیکرگردانی مشاهده می‌شود که از این تعداد ۱۱ مورد استحاله انسانی نوع اول و ۲۹ استحاله انسانی نوع دوم است. همچنین پربسامدترین پیکرگردانی‌های انسانی نوع اول «استحاله انسان به حیوان» و نوع دوم «استحاله سفرهای شگفت‌انگیز» است.

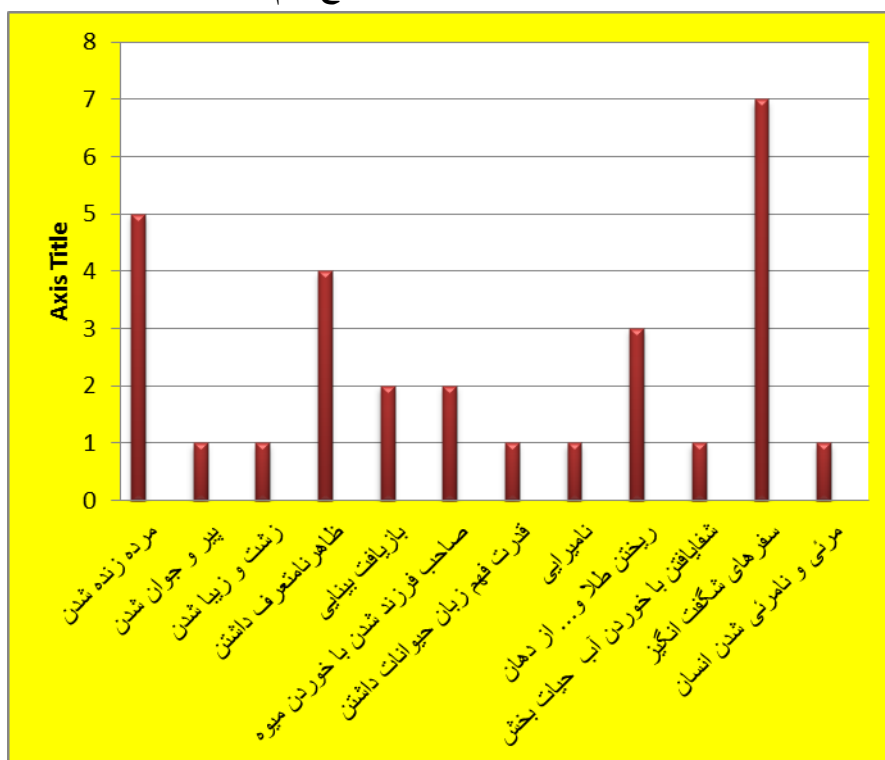
نمودار ۲: استحاله‌های انسانی نوع اول



در مجموع، با مقایسه پیکرگردانی‌های نوع اول با پیکرگردانی‌های نوع دوم درمی‌یابیم اگرچه تنوع در استحاله‌های انسانی نوع دوم از نوع اول بیشتر است؛ اما فراوانی پربسامدترین پیکرگردانی در هر دو نوع با هم برابرند (فراوانی آن در هر دو نوع ۷ افسانه است). همچنین بنیاد و اساس فرهنگ ایرانی بر مبارزه خیر و شر استوار

است، چنان‌که در این پژوهش نیز مشاهده شد، همواره نیروهای اهریمنی در تلاش‌اند تا نیروهای خیر را از مرتبه‌ی عالی به مرتبه‌ی اسفل تنزل دهند که مصداق آن را در افسانه‌ی «سگ سفید» و ... شاهد بودیم. درحقیقت، تقابل خیر و شر یکی از دلایل مهم پیکرگردانی در افسانه‌های سیستان و بلوچستان است.

نمودار ۳: استحاله‌های انسانی نوع دوم



در بررسی افسانه‌های شفاهی این منطقه، فرافکنی رنج‌های درونی و آرزوهای دست‌نیافته نیز از دیگر دلایل پیکرگردانی است. همچنین بررسی‌های انجام‌شده مبین این است که درون‌مایه‌ی بیشتر افسانه‌ها آرزوی سعادت‌مندی است و با توجه به اینکه مضمون ۹۵٪ از افسانه در ارتباط با ازدواج است (خواه گریختن از ازدواج با دیوان و محارم یا تلاش در مسیر یافتن زیباروی پریزاد)، یعنی ازدواج یا مضمون اصلی روایت

انواع استحاله‌های انسانی در افسانه‌های مکتوب... _____ آسیه ذبیح‌نیا عمران و همکار

است یا مضمون فرعی‌ای است که پایان خوش روایت به آن ختم می‌شود، چنین استنباط می‌شود که خرد جمعی نهفته در افسانه‌ها، راه رسیدن به سعادت‌مندی را ازدواجی نیک می‌داند و با توجه به اینکه شمار روایت‌هایی که در آن دختر با ازدواج با شاهزاده‌ای به نیکبختی می‌رسد نسبت به افسانه‌هایی که شاهزاده در آرزوی رسیدن به پری‌زاد یا دختر به غایت زیباست، بیشتر است، لذا می‌توان تصدیق کرد که بیشتر افسانه‌سرایان زن بوده‌اند؛ زنانی که احتمالاً برای گریز از تنگناها در پی منجی شایسته‌ای می‌گشتند که ازدواج با او طلسم دیو فقر را باطل کند. چنان‌که در افسانه «سگ سفید» و نظایر آن می‌بینیم دختری که دیو او را به شکل سگ استحاله کرده، تنها راه نجاتش ازدواج با شاهزاده است. از دیگر مضامین پربسامد پیکرگردانی در افسانه‌های بومی این منطقه، آرزوی نعمت بی‌زوال، آرزوی فرزند و ... است. اگرچه «استحاله انسان به حیوان» پربسامدترین نوع استحاله انسانی نوع اول است؛ اما نتیجه تحلیل افسانه‌ها درباره استحاله مسخ به معنی اخص آن، یعنی پیکرگردانی انسان به حیوان به صورت برگشت‌ناپذیر و با هدف تنبیه و تنزل از درجه انسانیت به حیوانیت به واسطه اندیشه و عمل ناشایست، تنها در یک مورد آن هم افسانه «معجزه پیامبر» دیده شده است. هرچند بن‌مایه و مضامین مشاهده‌شده در افسانه‌های سیستان و بلوچستان با دیگر افسانه‌های ایرانی تشابه زیادی دارد؛ اما افسانه‌سرایان با استفاده از نشانه‌های فرهنگی و زیست-محیطی بومی خود روایت تازه‌ای از مضامین ارائه کرده‌اند و به نوعی به افسانه‌ها تشخیص بخشیده و رنگ و بوی بومی داده‌اند.

پی‌نوشت‌ها

۱. وارد شدن روح انسان به جمادات
۲. در زبان یونانی به معنی «خرزهره» است.

منابع

- ابن بلخی (۱۳۷۴). *فارسنامه*. تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسایی. چ اول. شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.
- اسدی طوسی (۱۳۵۴). *گرشاسب‌نامه*. تصحیح حبیب یغمایی. تهران: طهوری.

- افتخارزاده، افسانه و دیگران (۱۳۸۸). *قصه‌های بلوچی*. چ اول. تهران: چشمه.
- افشار، ایرج (۱۳۶۶). «گوشه‌های ناشناخته‌ای از فرهنگ مردم سیستان». *فصلنامه هنر*. ش ۱۴. صص ۲۹۲-۳۰۰.
- امامی، صابر (۱۳۸۰). *اساطیر در متون تفسیری*. چ اول. تهران: گنجینه فرهنگ.
- انجوی شیرازی، سیدابوالقاسم (۱۳۵۹). *قصه‌های ایرانی*. ج ۱-۲. تهران: امیرکبیر.
- بخشی‌زاده گشتی، یوسف (۱۳۸۲). *قصه‌های بلوچی*. چ اول. زاهدان: فاروق اعظم.
- بیهقی، حسینعلی (۱۳۶۴). «هنر و فرهنگ بلوچ». *فصلنامه هنر*. ش ۱۰. صص ۴۴۴-۴۴۷.
- حسینی، مریم و سارا پورشعبان (۱۳۹۱). «اسطوره‌های ترکیبی پیکرگردانی در هزارویک-شب». *ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی*. س ۸. ش ۲۷. صص ۱-۲۷.
- خمر، ابراهیم (۱۳۹۰). *آسوکه ده افسانه سیستانی*. چ اول. زاهدان: تفتان.
- درویشیان، علی‌اشرف و رضا خندان مهابادی (۱۳۷۸). *فرهنگ افسانه‌های مردم ایران* (مجموعه نوزده جلدی). چ اول. تهران: انتشارات کتاب و فرهنگ.
- ذبیح‌نیا عمران، آسیه (۱۳۹۵). «پیکرگردانی در افسانه‌های جواهرالاسمار». *فرهنگ و ادبیات عامه*. س ۴. ش ۱۳. صص ۴۹-۶۸.
- رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۸). *پیکرگردانی در اساطیر*. چ دوم. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ----- (۱۳۸۱) «پیکرگردانی در اساطیر». *مطالعات ایرانی*. ش ۲. صص ۹۵-۱۱۶.
- رسولیان بروجنی، بنفشه و آسیه ذبیح‌نیا عمران (۱۳۹۳). *بررسی کارکرد پیکرگردانی در افسانه‌های ایرانی*. اصفهان: حوض نقاشی.
- رئیس‌الذاکرین، غلام‌علی (۱۳۶۳). *پنج ارغن*. چ اول. بی‌نا.
- شامیسو، اف. (۱۳۷۶). *مردی که سایه‌اش را فروخت*. ترجمه عبدالله توکل. تهران: مرکز.
- عمرانی، غلامرضا (۱۳۹۲). *ادبیات سیستان آسوکه*. ج ۱. چ اول. تهران: دریافت.
- ----- (۱۳۹۳). *ادبیات سیستان آسوکه*. ج ۲. چ اول. تهران: دریافت.
- ----- (۱۳۹۴). *ادبیات سیستان آسوکه*. ج ۳. چ اول. تهران: دریافت.
- کیخا مقدم، احمد (بی‌تا). *افسانه‌های کهن نیمروز*. ج ۱. چ اول. تهران: مهرآفرین.
- ----- (۱۳۸۵). *افسانه‌های کهن نیمروز*. ج ۲. چ اول. زاهدان: اوشیدا.

انواع استحاله‌های انسانی در افسانه‌های مکتوب... _____ آسیه ذیح‌نیا عمران و همکار

- ----- (۱۳۸۵). *افسانه‌های کهن نیمروز*. ج ۳. چ اول. زاهدان: اوشیدا.
- گریمال، پی‌یر (۱۳۵۶). *فرهنگ اساطیر ایران و روم*. ترجمه احمد بهمنش. ج ۲. تهران: امیرکبیر.
- مارزلف، اولریش (۱۳۷۱). *طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی*. ترجمه کیکاووس جهان‌داری. تهران: سروش.
- محجوب، محمدجعفر (۱۳۸۷). *ادبیات عامیانه ایران*. تهران: چشمه.
- موسوی بجنوردی، محمدکاظم (۱۳۹۱). *دانشنامه فرهنگ مردم ایران*. چ اول. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- مول، ژول (۱۳۶۹). *شاهنامه فردوسی*. ترجمه جهانگیر افکاری. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- یادگاری، عبدالحسین (۱۳۸۶). *حماسه‌های مردم بلوچ*. چ اول. تهران: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری.
- Hamilton, E. (1942). *Mythology*. Bostoni/U.S.A. Little: Brown and Company.

